|  |
| --- |
| مقطع تحصیلی:کاردانی🞏کارشناسی🞎 رشته:.روابط عمومی...................ترم:....اول.......سال تحصیلی: 1398- 1399  نام درس:...جامعه شناسی فرهنگی....... نام ونام خانوادگی مدرس:.......آزاده نجفی.....................................  آدرس emailمدرس:.................drnajafi.99. تلفن همراه مدرس09122832242 |
| جزوه درس:......جامعه شناسی فرهنگی.......... مربوط به هفته : اول🞎 دوم 🞎سوم🞎  text: دارد 🞎ندارد\*🞎 voice:دارد🞎 ندارد🞎 power point:دارد🞎 ندارد🞎  تلفن همراه مدیر گروه : ......................................09124058720......  **جلسه اول**  **جامعه شناسي:** مطالعه علمي زندگي گروهي انسان‌ها و علل، نتايج و آثار رفتارهاي اجتماعي.  **فرهنگ:** تايلر در كتاب جوامع ابتدايي (1871م) فرهنگ را چنين تعريف مي‌كند:  «فرهنگ، مجموعه پيچيده‌اي است از: معارف، معتقدات، هنرها، صنايع، تكنيك‌ها، اخلاق، قوانين، سنن و بالاخره تمام عادت‌ها، رفتار و ضوابطي است كه انسان به عنوان عضو يك جامعه آن را از جامعه خود فرا مي‌گيرد و در قبال آن جامعه تعهداتي به عهده دارد.  جامعه شناسي فرهنگي: علمي كه به مطالعه فرهنگ حاكم بر جوامع و مطالعه علمي زندگي گروهي انسان‌ها و علل، نتايج و آثار رفتارخاي اجتماعي، با تأكيد بر «فرهنگ» به عنوان ويژگي و مشخصة انسان در مقابل ساير موجودات مي‌پردازد. در اين علم با نگرشي جامعه شناسانه، شيوة زندگي در جوامع مختلف دنيار مورد بررسي قرار مي‌گيرد.  در اين قسمت به بعضي از مفاهيمي كه در جامعه شناسي فرهنگي مورد استفاده قرار مي‌گيرند، پرداخته مي‌شود. سپس پديده‌هاي اجتماعي با محوريت پديده‌ها و مسائل اجتماعي ايران از زاويه «جامعه شناسي فرهنگي» مورد مطالعه قرار خواهند گرفت.  **فرهنگ آرماني و فرهنگ موجود:** فرهنگ آرماني عبارت است از الگوهاي رفتاري آشكار و رسماً تأييد شده جامعه، در حالي كه فرهنگ موجود يا فرهنگ واقعي، آن چيزي است كه عملاً بر جامعه حاكم است.  **خرده فرهنگ:** شبكه‌اي از الگوهاي رفتاري كه به رغم برخي وجوه تمايز و داشتن ويژگي‌هاي خاص گروه سني، جنسي، طبقه‌اي، شغلي و ... مربوط به خود، در كليت خود، مشابه با فرهنگ غالب است.  **ضد فرهنگ:** به گروه‌هايي اطلاق مي‌شود كه با هنجارها، ارزش‌ها و موازين فرهنگ غالب در تضاد و جدال است و آن را به شدت طرد مي‌كند.  **قوم مداري:** قوم مداري يا قوم مركزي، گرايشي است كه بر حسب آن، افراد جامعه، فرهنگ خود را برتر از ساير فرهنگ‌ها دانسته و در بررسي و قضاوت روي فرهنگ‌هاي ديگر، فرهنگ خود را ترازو و معيار سنجش قرار مي دهند.  **مزايا و معايب قوم مداري:**  **مزايا:** احساس مشروعيت گروه، وفاداري، ميهن دوستي، احساس مليت، حفظ وضع  **معايب:** مانع نوآوري‌هاي احتمالاً سودمند، بدگماني به ساير فرهنگ‌ها و عدم استقبال از دانش وتجربيات ساير فرهنگ‌ها و جوامع و طرد غير ضروري و بيهودة دانش و فرهنگ ديگر جوامع.  **نسبيت فرهنگي:** نسبيت فرهنگي به اين معناست كه نبايد در بررسي و قضاوت ساير فرهنگ‌ها، فرهنگ جامعه خود را معيار داوري قرار دهيم زيرا ارزش هر رسم، آيين و رفتار، بسته به سهم و كاربردي است كه در جامعه خود دارد. بنابراين، بايد داوري دربارة معني و ارزش هر عنصر فرهنگي را در مجموعه آن فرهنگ و ارتباط آن عنصر فرهنگي با ساير عناصر فرهنگي آن جامعه انجام داد.  **ضربه فرهنگي :** هنگامي كه فرد در محيطي زندگي مي‌كند كه باورها، ارزش‌ها و اعتقادات او وجه مشترك چنداني با فرهنگ آن محيط ندارد و به طور مداوم تحت تأثير آن فرهنگ قرار دارد، دچار ضربه فرهنگي مي‌شود.  **دگرگوني و تحول فرهنگي:** يكي از ويژگي‌هاي مهم فرهنگ، دگرگوني و تحول آن است. گرچه تحول و دگرگوني فرهنگ آن چنان به صورت كند و آرام انجام مي‌گيرد كه در كوتاه مدت، فرهنگ، ثابت به نظر مي‌رسد، ولي درتمام فرهنگ شاهد تغيير و دگرگوني در دراز مدت هستيم. البته اكنون، تكنولوژي، فرايند تحول و دگرگوني را سرعت بخشيده كه مي‌توان تحول فرهنگي را در كوتاه مدت هم شاهد بود. معمولاً دگرگوني فرهنگي زماني رخ مي‌دهد كه عناصر جديد و مجموعه‌هايي نو در فرهنگ ظاهر مي‌شود و بدين طريق، محتو و ساخت فرهنگ را عوض مي‌كند. مقاومت در برابر دگرگوني فرهنگي، هنگامي بيشتر آشكار مي‌شود كه اين دگرگوني‌ها با انحراف شديد از ارزش‌هاي سنتي و رسوم همراه باشد.  **خلاصه فصل**  **تعریف فرهنگ**  **فرهنگ آرمانی و فرهنگ موجود**  **تفاوت خرده فرهنگ و ضد فرهنگ**  **تعریف قوم مداری ( معایب و مزایا )**  **نسبیت فرهنگی**  **ضربه فرهنگی**  **دگرگونی و تحول فرهنگ** |